



دوماهنامه علمی بین‌المللی

۱۲، ۲ (پیاپی ۶۲) خرداد و تیر ۱۴۰۰، صص ۲۸۵-۴۱۹

مقاله پژوهشی

بازنگری زیاهنگ احترام - محوری در سایه ادب اجتماعی با تحلیل پیکره گفتمان شفاهی براساس الگوی هایمز

مجتبی مقصودی*

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۱

دریافت: ۹۹/۰۵/۱۲

چکیده

درهم‌تنیده بودن زبان و فرهنگ مدت‌هاست که مورد بحث و بررسی اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی زبان، مردم‌شناسان و نیز کاربردشناسان زبان بوده است. یکی از حوزه‌های نوین تحقیق درباره این درهم‌تنیدگی، مطالعه نمایش فرهنگی از یک زبان یا زیاهنگ است. در این تحقیق زیاهنگ احترام-محوری در فرهنگ ایرانیان، با توجه به اهمیت و جایگاه ادب و نزاکت اجتماعی فرهنگ ایرانی-اسلامی، مورد بررسی قرار گرفت. هدف این تحقیق به‌طور خاص، شناسایی بازنمود جنبه‌های حاکم از فرهنگ کنونی گویشوران در زیاهنگ احترام‌محوری و شناخت جنبه‌هایی از ادب اجتماعی بود که در زیاهنگ احترام‌محوری انعکاس یافته است. به این منظور، ۱۴۰ پاره‌گفتار مرتبط با احترام و نزاکت از میان ۳۲۰ مورد شفاهی که از میان افراد ۱۵ تا ۶۱ ساله (۱۳۲ زن و ۱۶۹ مرد) با سطح تحصیلات متفاوت (بی‌سواد تا تحصیلات عالی) و مشاغل مختلف (خانه‌دار، دانش‌آموز، دانشجو، معلم، مهندس، کارمند، پزشک، پرستار، بازنشسته، و مشاغل آزاد) از شهرهای اراک، اصفهان، شهرکرد، تهران، قم، ساوه، گلپایگان، شادگان، تبریز، رشت، هرنه، دهلران، کرمانشاه، خرم‌آباد، سرپل ذهاب، بروجن، آران و بیدگل، نجف‌آباد، ایزه و میاندشت در موقعیت‌های گوناگون گردآوری شد. پاره‌گفتمان‌های شفاهی این افراد ابتدا ضبط و بعد در قالب یک فرم، پیاده‌سازی شد. در این مرحله برای ثبت جزئیات شفاهی کلام از علائم گفتارنگاری برای ثبت آوایی و سایر رویدادهای بیانی از قبیل مکث و قطع کلام مخاطب استفاده شد. سپس با استفاده از الگوی SPEAKING هایمز (1967) احترام‌محوری مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها بر مبنای این الگو نشان داد که بسامد کاربرد این زیاهنگ در موقعیت‌های عمومی بیشتر از موقعیت‌های خصوصی و در میان شرکت‌کنندگان نابرابر (رسمی و غیررسمی) رایج‌تر از افرادی با سطح اجتماعی برابر است. از نظر هدف نقش‌های کاربردشناختی ابراز علاقه و

ارادت (محبت و دوست داشتن)، تمجید، تکریم، دعوت، شکسته‌نفسی و چاپلوسی از پربسامدترین اهداف تجلی‌یافته این زیاهنگ بودند. بررسی‌های عمیق‌تر حاکی از آن بود که زیاهنگ احترام‌محوری با قدرت‌محوری کاملاً برابر نیست و این دو را باید جداگانه تعریف کرد. دیگر آنکه، زیاهنگ احترام-محوری با وجود استقلال مفهومی خود با زیاهنگ‌های صراحت‌گریزی و قدرت‌محوری هم‌پوشانی دارد. به‌علاوه، زیاهنگ احترام‌محوری از فرازیاهنگ‌های جمع‌گرایی و سلسله‌مراتب‌پذیری ایرانیان تأثیر می‌پذیرد. دیگر آنکه زیاهنگ احترام‌محوری در داده‌های این پژوهش برمی‌نای دو محور سلطه و هم‌بستگی توجیه‌پذیر است و تنوع و شدت بروز جنبه‌های احترام تابع سلطه و هم‌بستگی موجود در بافت است.

واژه‌های کلیدی: الگوی SPEAKING هایمز، ادب اجتماعی، احترام، زیاهنگ، زیاهنگ احترام‌محوری.

۱. مقدمه

رابطه تنگاتنگ زبان و فرهنگ، می‌تواند فراتر از یک رابطه خطی فرهنگ‌اندیشه‌زبان باشد و در قالب هم‌پوشی زبان و فرهنگ تفسیر شود. به بیان دیگر، زبان، خود حاصل تعاملات فرهنگی است و فرهنگ‌های مختلف، با تولید زبان‌های متفاوت، جهان را به اشکال مختلفی درک می‌کند. از این رو، مطالعه زیاهنگ‌ها می‌تواند محل مناسبی برای مطالعه و واکاوی فرهنگی افراد آن جامعه باشد. بنابراین، با در نظر گرفتن اهمیت نقش زیاهنگ‌ها در نشان دادن نمای فرهنگی جامعه، انجام دادن تحقیق حاضر و البته تحقیقات بیشتر در این زمینه و زمینه‌های مشابه، می‌تواند گامی مؤثر در جهت نمایاندن فرهنگ حاکم در میان ایرانیان باشد. مفهوم زیاهنگ^۱ با تکیه بر سه نظریه‌ای که پیش از آن در حوزه زبان‌شناسی مطرح بوده است توسط پیش‌قدم (۱۳۹۱) معرفی شد. در این راستا، نخست، دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد مطرح شده است و عنوان می‌کند که زبان پدیده‌ای نقش‌گراست و معنا و مفهوم آن خارج از بافتی که در آن پدیدار می‌شود قابل بررسی نیست و درعین حال زبان به‌منزله پدیده-ای نظام‌بنیاد مجموعه‌ای از گزینه‌ها را برای ساخت یک معنای به‌خصوص دربر دارد. دیگر تکیه‌گاه مفهوم زیاهنگ دیدگاهی است که پدیده زبان را، به‌سان یادگیری هر پدیده دیگری، در قالب بافت اجتماعی - فرهنگی آن قابل درک می‌داند و یادگیری زبان را نوعی انتقال اجتماعی

دانش قلمداد می‌کند و تا به آنجا پیش می‌رود که برای فرد و جامعه نقشی برابر در نظر می‌گیرد که طی آن زبان و در نتیجه تفکر فرد در بستر اجتماعی فرهنگی وی شکل می‌یابد و بخشی از طبیعت وی می‌شود. در نهایت، مفهوم زبانهنگ و امدار نظریه سپیر و ورف^۲ است. این نظریه خود شامل دو بخش است؛ یکی جبر زبانی^۳ که عنوان می‌کند که زبان تفکر انسان را شکل می‌دهد و دیگری نسبیت زبانی^۴ که عنوان می‌کند، گویشوران زبان‌های متفاوت جهان بینی‌های متفاوتی دارند. زبانهنگ حاصل امتزاج این سه نظریه است و تعریف آن «فرهنگ مستخرج از واکاوی زبان» یا «نمایش فرهنگی از یک زبان» است (پیش‌قدم، ۱۳۹۱، ص. ۵۲).

دلیل انتخاب این زبانهنگ خاص در این پژوهش، نقش آن به‌منزله یک ارزش فرهنگی بارز در به‌تصویر کشیدن فرهنگ حاکم در جامعه ایرانیان و نیز جایگاه ویژه احترام در فرهنگ ایرانی - اسلامی و سفارش اکید بر لزوم رعایت احترام و نزاکت در آموزه‌های دینی و اسلامی است. در این راستا، با درک این فضیلت و ارزش فرهنگی در میان ایرانیان و تجلی آن در رابطه بین افراد در سنت‌های از قبیل احترام به والدین، افراد مسن، و امثال آن جای خالی تحقیق در این زمینه بیشتر به چشم می‌آید. در راستای آنچه تا به این‌جا گفته شد، این پژوهش به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر بود:

۱. زبانهنگ احترام‌محوری بازنمود کدام جنبه از فرهنگ کنونی گویشوران است؟
۲. چه جنبه‌هایی از ادب اجتماعی در زبانهنگ احترام‌محوری انعکاس یافته است؟

۲. پیشینه پژوهش

آنچه در این تحقیق درباره مفهوم احترام مطرح است در واقع در متون مربوط به علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسی با عنوان ادب اجتماعی بحث می‌شود که معادل اتیکت^۵ در زبان انگلیسی است و از آن به‌منزله ادب نوع اول هم یاد می‌شود (Spencer-Oatey & Zing, 2003). این نوع ادب چنان‌که پیش‌تر تعریف شد به رفتار فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی جامعه‌ای که وی در آن زندگی می‌کند گفته می‌شود (Jahangiri, 2008). ولی آنچه در تحقیقات پیشین مثل احمدی^۱ (2011)، درباره ادب مدنظر بوده است، ادب زبان‌شناختی بوده است که از آن به نوع دوم ادب هم یاد می‌شود (Spencer-Oatey & Zing, 2003).

Zing, 2003). این نوع از ادب رفتار کلامی فرد یا افراد جامعه‌ای زبانی را در چارچوب قواعد زبان‌شناختی رفتار کلامی موردبررسی قرار می‌دهند. این قواعد در آثار گرایس، سرل و لیچ در ذیل مقولهٔ وجهه^۷ موردبحث قرار گرفته است. وجهه همان تصویر کلی است که دیگران از هر فرد دارند که می‌تواند مثبت یا منفی باشد (Brown & Levinson, 1987). مثبت بودن وجهه یعنی علاقه‌مندی فرد به تکریم شدن و مورد احترام و تأیید بودن است و منفی بودن به معنای علاقه‌مندی فرد به برخورداری از آزادی عمل، حریم خصوصی و نرنجیدن از دیگران است (Brown & Levinson, 1987). بر این اساس ادب زبان‌شناختی مثبت (مثل تمجید یا همدلی) متضمن نیازهای وجهه‌ای مثبت افراد و ادب زبان‌شناختی منفی متضمن تهدید یا به‌خطر افتادن وجههٔ گوینده است (مثل بی‌پاسخ گذاشتن یک سؤال). از آنجایی که هدف این مقاله بررسی نوع اول ادب بود، لازم بود تا بنیادی غیر از آنچه در تحقیقات قبلی دربارهٔ ادب زبانی یا همان ادب نوع دوم در کلام گویشوران فارسی‌زبان به‌کارگرفته شد، برگزیده می‌شد. از این رو، استفاده از دسته‌بندی‌هایی مثل راهبردهای ادب براون و لوینسون (1987) با هدف این پژوهش تناسب نداشت. به‌همین دلیل، برای درک بهتر بازنمود ابعاد و جنبه‌های ادب اجتماعی گویشوران فارسی زبان در گفتمان آن‌ها از مفهوم زیاهنگ استفاده شد.

پژوهش‌های متعددی برای مطالعهٔ زیاهنگ در زمینه‌هایی از قبیل قسمت (Pishghadam & Ataaraan, 2016)، نازکردن (Pishghadam et al., 2017)، نمی‌دانم (Pishghadam et al., 2017)، حاجی (Pishghadam et al., 2016)، دعا (Pishghadam & Vhaidnia, 2017)، استدلال (Pishghadam & Ataaraan, 2015) و نفرین (Pishghadam et al., 2014) انجام شده است، ولی همچنان جای پژوهشی که در زمینهٔ زیاهنگ احترام‌محوری به عنوان یکی از زیاهنگ‌های مهم در میان ایرانیان (Pishghadam, 2012) خالی به‌نظر می‌رسد. گفتنی است که هیچ‌یک از تحقیقاتی که تاکنون انجام شده بر زیاهنگ احترام‌محوری تمرکز نکرده‌اند، ولی از لحاظ روش‌شناسی برای دست یافتن به اهداف این پژوهش اهمیت بسزایی دارند. به این معنی که مذاقهٔ بیشتر در این پژوهش‌ها که در سطور بالا از آنان سخن به‌میان رفت حاکی از آن است که فصل مشترک آنان روش‌شناسی تحقیق است. در تمام این

پژوهش‌ها از الگوی قوم‌نگاری زبانی هایمز^۸ (1967) که به الگوی SPEAKING^۹ نیز شهرت دارد برای دسته‌بندی و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

۳. چارچوب نظری

پیشقدم (2012)، به بیان چند زبانهنگ بنیادین که حاصل فرهنگ‌کاری ایرانیان است می‌پردازد و زبانهنگ‌هایی از جمله میل به ترکیب ملیت با مذهب، فردیت‌پرهیزی، مسئولیت‌گریزی، صراحت‌گریزی، هوش‌هیجانی‌افزا، خانواده‌محوری و قدرت/احترام‌محوری را مطرح می‌کند که آخرین موضوع، هدف این پژوهش است. البته باید اذعان کرد که زبانهنگ‌ها محدود به این موارد نبوده و مطالعه یک زبانهنگ به‌تنهایی برای درک مفهوم وسیع فرهنگ یک جامعه شرط لازم است ولی کافی نیست. بنابراین، پیشقدم (2012) به معرفی فرازبانهنگ^{۱۰} می‌پردازد که به بیانی ساده به مجموعه‌ای از زبانهنگ‌هایی گفته می‌شود که ویژگی‌ای فرهنگی را در جامعه نشان می‌دهد. برای مثال زبانهنگ‌های فردیت‌پرهیزی، صراحت‌گریزی، محصول فرازبانهنگ جمع‌گرایی ایرانیان است.

الگوی SPEAKING، هایمز (1967)، همواره به‌منزله چارچوبی برای تحلیل داده‌ها در مطالعه زبانهنگ‌ها مطرح بوده‌است. این الگو هشت عامل را با این مضامین دربرمی‌گیرد: (۱) موقعیت زمانی و مکانی^{۱۱} که با توجه به زمان، مکان و بافت گفتمان، به دو دسته کلان عمومی/رسمی و خصوصی/غیررسمی تفکیک می‌شود. (۲) شرکت‌کنندگان^{۱۲} که علاوه بر جنسیت، سن، ملیت و روابط حاکم میان آن‌ها در گفتمان (Saville-Troike, 2003)، براساس ماهیت قدرت و فاصله میان خود در یکی از گروه‌های چهارگانه الف) هم‌تراز و رسمی، ب) هم‌تراز و غیررسمی، ج) نابرابر و رسمی، و د) نابرابر و غیررسمی قرار می‌گیرد (Pishghadam & Firoozian Pour Esfahani, 2017). (۳) هدف^{۱۳} گوینده که می‌تواند در شرایط مختلف گفتمانی متغیر باشد و مبین نیت نهفته در بیان یک عبارت است. (۴) ترتیب گفتمان^{۱۴} به زبان ساده ترتیب و شکل خاص پیام زبانی در هر نوع گفتمان است. چنان‌که گافمن^{۱۵} (1971) عنوان می‌کند این مقوله به اقدامی اشاره می‌کند که از طرف یک شرکت‌کننده

برای اقدامی از طرف مخاطبش فراهم می‌شود. (۵) لحن^{۱۱} شرکت کنندگان در موقعیت‌های گفتمانی مختلف که ممکن است با تغییر سایر عوامل، دچار تغییر شود و با حالت خاصی مثل جدی، شوخی، منطقی و امثال آن بیان شود. (۶) ابزار گفتمان^{۱۲} که همان شیوه انتقال گفتمان است، به صورت کلی به صورت‌های گفتاری یا نوشتاری تقسیم می‌شود (Saville-Troike, 2003). (۷) قوانین گفتمان^{۱۳} بیانگر آن است که کاربرد زبان در اجتماع انسانی در قالب قوانین و هنجارها درک‌پذیر است. این قوانین تابع نظام اعتقادی جامعه‌اند (Hymes, 1967) و در قالب رفتارها و مشخصه‌هایی تبلور می‌یابند که می‌توان با توجه به یک گفتمان خاص آن را درک کرد (Saville-Troike, 2003). نوع گفتمان^{۱۴} که شامل انواع مختلف کنش‌های گفتاری، موقعیت‌ها و ساختارهای گفتاری است که چارچوب یک گفتمان را شکل می‌دهند، برای مثال: شعر، داستان، مکالمه، و غیره (Pishghadam & Ataaraan, 2016). به زبان ساده، نوع گفتمان دربردارنده عناصری با ساختار زبانی مشابه است که برای یک هدف به کار می‌روند (Saville-Troike, 2003). چنان‌که در شرح این الگوی قوم‌نگارانه زبانی مشهود است، هر یک از این هشت عامل در تحلیل جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و قوم‌نگارانه زبان، بر یکی از عناصر بنیادین و ضروری در تبیین درهم‌تنیدگی زندگی اجتماعی و رویدادهای زبانی دلالت دارد.

۴. روش پژوهش

چنان‌که در سطور بالا عنوان شد، هدف این پژوهش، شفاف‌سازی جنبه‌های زیاهنگ احترام-محوری بود که در میان ایرانیان، پاره‌گفتارهای گویشوران فارسی‌زبان نهفته بود. داده‌های این پژوهش متشکل از تعداد ۱۴۰ پاره‌گفتار مرتبط با زیاهنگ احترام-محوری بود که از میان پیکره‌ای شامل ۱۳۲ پاره‌گفتار شفاهی در زبان فارسی انتخاب شد. گردآوری داده‌ها از فروردین ۱۳۹۹ در شهرهای اراک (۱۸)، اصفهان (۱۲)، شهرکرد (۸)، تهران (۲۲)، قم (۱۲)، ساوه (۱۲)، گلپایگان (۵)، شادگان (۴)، تبریز (۲)، رشت (۳)، همدان (۲)، دهلران (۴)، کرمانشاه (۴)، خرم‌آباد (۸)، سرپل ذهاب (۲)، بروجن (۲)، آران و بیدگل (۱)، نجف‌آباد (۳)، ایذه (۴) و میاندشت (۴) آغاز و هفته اول خرداد ۱۳۹۹ پایان یافت. برای گردآوری داده‌ها از روش

نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. داده‌ها از میان پاره‌گفتارهای گویشوران فارسی‌زبان ایرانی مؤنث (۱۳۲ نفر) و مذکر (۱۶۹ نفر) در گروه‌های سنی مختلف (۹ تا ۷۱ سال) و سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی - اقتصادی متفاوت (پایین، متوسط و بالا) در بافت‌های طبیعی و روزمره گردآوری شد. پیکره زبانی شامل پاره‌گفتارهای شفاهی بود که توسط مشاهده‌گری ضبط شده بود که خود در آن گفتار شفاهی شرکت نداشت. شرکت‌کنندگان از اصناف متفاوتی، از قبیل خانه‌دار، دانش‌آموز، دانشجو، معلم، مهندس، کارمند، پزشک، پرستار، بازنشسته، و مشاغل آزاد بودند و تعداد کل شرکت‌کنندگان این تحقیق به ۲۰۱ نفر رسید. نمونه‌های مکالمات در بافت‌های متفاوتی از قبیل فروشگاه، دفتر کار، خانه، باشگاه ورزشی و امثال آن گردآوری شد و از این رو، طیف وسیعی از بافت‌های کاربردی فارسی را پوشش می‌دهد. پاره‌گفتارهای شفاهی این افراد ابتدا ضبط و بعد در قالب یک فرم، به صورت مکتوب پیاده‌سازی شد. در این مرحله برای ثبت جزئیات شفاهی، کلام از علائم گفتارنگاری برای ثبت آوایی و سایر رویدادهای بیانی از قبیل مکث و قطع کلام مخاطب استفاده شد. برای هرچه بهتر تحلیل کردن داده‌ها، هر یک از این عوامل در قالب اقدام عملی (رفتاری) که در پژوهش‌های قوم‌نگارانه زبان صورت می‌گیرد دسته‌بندی شد که شرح آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: عوامل هشت‌گانه مؤثر بر روابط میان افراد در الگوی قوم‌نگارانه زبان هایمز (1967) (برگرفته از Qorbanpour Arani et al. 2017)

Table 1: The eight factors influencing the relationship according to the Hyme's (1967) ethnographic model (Adopted from Qorbanpour Arani et al. 2017)

عامل	عنصر تحلیلی	اقدام تحلیل پژوهشگر
موقیت	موقعیت رویداد زبانی و صحنه رویداد	موقعیت رویداد زبانی و موقعیت زمانی، مکانی و شرایط مهم آن بررسی می‌شود.
شرکت‌کنندگان	افراد دخیل در رویداد شامل گوینده و فرستنده پیام حاضر یا غایب	اهیت گیرندگان و فرستندگان پیام و نحوه ارتباط اجتماعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.
هدف	هدف از رویداد زبانی و پیامد ناشی از آن	در نتیجه هر رویداد زبانی، غیر از انتقال و فهم پیام، یک هدف اصلی نیز برآورده می‌شود که باید کشف شود.
ترتیب گفتار	فرم و قالب کلی رویداد	در هر ژانر خاص، پیام زبانی دارای قالب و شکل

عامل	عنصر تحلیلی	اقدام تحلیل پژوهشگر
لحن	زبانی آهنگ و حالت رویداد زبانی	خاص خود است که باید به‌طور روشن بیان شود. هر رویداد زبانی، با آهنگ و حالت خاصی مثل جدی، منطقی، یا شوخی صورت می‌گیرد که باید ثبت و تحلیل شود.
ابزار گفتمان	نوع کانال ارتباطی از قبیل شفاهی، کتبی، تلگرافی، لهجه‌ای، یا ویدئویی و غیره	عملکرد اجتماعی و فرهنگی زبان با توجه به ویژگی‌های کانال ارتباطی تفسیر می‌شود.
قوانین گفتمان	هنجارهای اجتماعی و قوانین اجتماعی مربوط به رویداد زبانی	عملکرد اجتماعی و فرهنگی زبان با توجه به چارچوب هنجارها و قوانین جامعه مورد مطالعه تفسیر می‌شود.
نوع گفتمان	ژانر خاص زبانی با قالب و هدف خاص زبان	عناصر دارای ساختار زبانی مشابه برای اهداف مشخصی به‌کار می‌روند که باید در ارتباط با هم تفسیر شوند.

بعد از ثبت داده‌ها، مرحله تحلیل داده آغاز شد و با بررسی هریک از این ابعاد به‌طور جداگانه نتایج تحلیل به‌طور تفکیکی به‌دست آمد که در بخش بعدی ارائه می‌شود. در واقع آن پاره‌گفتارهایی مورد بررسی قرار گرفت که در آن‌ها ابعادی از ادب اجتماعی رعایت یا نادیده گرفته شد. پس از آن با بررسی کلی نتایج به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد.

۵. نتایج

با استفاده از مدل SPEAKING، هایمز (1967)، زیاهنگ احترام-محوری و عبارات وابسته به آن در نمونه‌های گردآوری‌شده مورد بررسی قرار گرفت. برای بیان شفاف‌تر نتایج از آمار توصیفی استفاده شد. هر یک از ابعاد مدل SPEAKING هایمز (1967)، درمورد داده‌ها اعمال شد و یافته‌ها به شرح زیر در بخش‌های جداگانه گزارش می‌شود.

۱.۵. موقعیت

بررسی نمونه‌های گردآوری‌شده، حکایت از کاربرد زیاهنگ احترام-محوری به‌صورت یک

همگانی اجتماعی در موقعیت‌های خصوصی / غیررسمی و عمومی / رسمی جاری است. موقعیت‌های خصوصی (۳۵/۶۰ درصد)، عمومی (۶۴/۴۰ درصد)، غیررسمی (۳۳/۳۳ درصد) و رسمی (۶۶/۶۶ درصد) از حجم داده‌های گردآوری شده (۱۳۲ موقعیت) را به خود اختصاص دادند. با بررسی دقیق‌تر داده‌ها مشخص شد که در میان موقعیت‌ها عمومی و رسمی تنها دو نمونه از نقض ادب اجتماعی در قالب طعنه به مخاطب مشاهده شد (۴/۲۵ درصد) ولی موارد نقض ادب اجتماعی در موقعیت‌های خصوصی و غیررسمی ۱۴ مورد (۱۵/۰۵ درصد) بود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که موارد نقض ادب اجتماعی در موقعیت‌های خصوصی/غیررسمی بیش‌تر بوده و در نتیجه محتمل‌تر است. در مثال‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، با بیان موقعیت هریک، نمونه‌هایی از هر موقعیت بیان خواهد شد.

۲-۵. شرکت کنندگان

شرکت‌کنندگان در گفتمان‌های گردآوری‌شده از نظر قدرت و فاصله، در همه آن چهار حالتی که پیش‌تر از آن سخن به‌میان آمد قرار داشتند. ۱۵ مورد (۱۰/۷۱ درصد) هم‌تراز و رسمی، ۱۸ مورد (۱۲/۸۵ درصد) نابرابر و رسمی، ۷۲ مورد (۵۱/۴۲ درصد) نابرابر و غیررسمی و ۳۵ مورد (۲۵ درصد) نابرابر و رسمی بودند. مثال‌های از این موقعیت‌ها در بخش‌های بعدی آمده است.

۳-۵. هدف

تحلیل و بررسی داده‌های مربوط به کاربردهای گفتمانی زبانهنگ احترام‌محوری و عبارات وابسته به آن نشان داد که نقش‌های کاربردشناختی ابراز علاقه و ارادت (محبت و دوست داشتن)، تمجید، تکریم، دعوت، شکسته‌نفسی و چاپلوسی با رعایت ادب اجتماعی همراه بودند و درمقابل نقش‌های کاربردشناختی نجات و رهایی و نیز تهدید با زیر پا گذاشتن ادب اجتماعی همراه بودند. بررسی بیشتر در این زمینه نشان داد که نقش‌های کاربردشناختی اصرار و شکایت حالتی دوگانه دارند؛ به این معنی که نقش کاربردشناختی اصرار می‌تواند به‌صورت پافشاری با رعایت ادب اجتماعی ظاهر شود و نیز به‌صورت سماجت با زیر پا گذاشتن آن ظاهر شود. به‌همین ترتیب، نقش کاربردشناختی شکایت می‌تواند در قالب

گله‌گزاری و شکوه کردن با رعایت ادب اجتماعی همراه باشد و نیز به صورت اعتراض آن را نادیده بگیرد. نمونه‌هایی از این اهداف در ادامه آمده‌است:

۱. علاقه و ارادت (محبت و دوست داشتن) در محاورهٔ مادر و کودک (۷ ساله) در موقعیتی

خصوصی، غیررسمی و نابرابر:

- آیدا، مامان، به لحظه میای خانمی

- [در حال آمدن] بله.

۲. تمجید در محاورهٔ عمو و برادرزاده دربارهٔ برادرزادهٔ دیگر در موقعیتی عمومی،

غیررسمی و نابرابر:

- آقا مهدی ما هم تشریف آوردن، ... به به ... یا الله...

- سلام عموجون.

۳. تکریم در محاورهٔ دو همسایه در موقعیتی عمومی، رسمی و نابرابر:

- سلام، حاج آقا، عبادت قبول...

- سلام پسرم، سلامت باشی...

۴. دعوت در محاورهٔ بستگان در موقعیتی عمومی، غیررسمی و برابر:

- خیلی خوش گذشت... عالی بود

- منزل خودتونه. خوشحال میشیم بیشتر ببینیم همدیگه رو. حتماً نباید ما بیایم تا شما

بیاید که.

۵. شکسته‌نفسی در محاورهٔ بین دو همکار در موقعیتی عمومی، رسمی و برابر:

- تا وقتی مهندس اینجا حضور دارن ما که نباید نظر بدیم. تجربه و سابقهٔ ما ناچیزه.

- اختیار دارید مهندس؛ جایگاه فنی شما رو همه آشنا.

۶. چاپلوسی در جلسهٔ اداری کارکنان در موقعیتی عمومی، رسمی و نابرابر:

- در راستای منویات ریاست عالییهٔ دانشگاه و درایت و حسن نظر و سعهٔ صدر ریاست

محترم واحد جناب دکتر ...

۷. نجات و رهایی در موقعیت خصوصی، غیررسمی و برابر:

- سلام داداش گل من!

- ول کن بابا، اول صبح [با بی‌حوصلگی دور می‌شود].

۸. تهدید در موقعیت خصوصی، غیررسمی و برابر:

- اینم تا یازدهم پشت نویسی کن [...] فقط خاطر مجتبی، خدا شاهد. می‌خوابونم چکاوک، بی محل باشه برگشته. شیرفهمه!

- (شخص ثالث در محاوره) پر میکنه، آقا. صحبت کردیم این همه بابا. پیش اومده.

۹. اصرار در محاوره استاد و دانشجو؛ موقعیت عمومی، رسمی و نابرابر:

- {نمره رو تو گروه اعلام کردم. آنلاین بودی، بلافاصله وویس دادی التماس که} نمره بده [...]

- {استاد خواهش می‌کنم ازتون، آقای دکتر خواهش می‌کنم یه لحظه} {هم‌زمان با استاد

اصرار می‌ورزد و درحالی که استاد ادامه می‌دهد سکوت می‌کند.}

۱۰. شکایت در محاوره دو خواهر بابت رفتار خواهرزاده در موقعیتی خصوصی،

غیررسمی و برابر:

- ببین، من میگم سریع سگ نشو پاچه منو نگیر نگو مگه آراد بهتر بود! تا این دم بریده

شروع نکنه اونای دیگه هم آرومن.

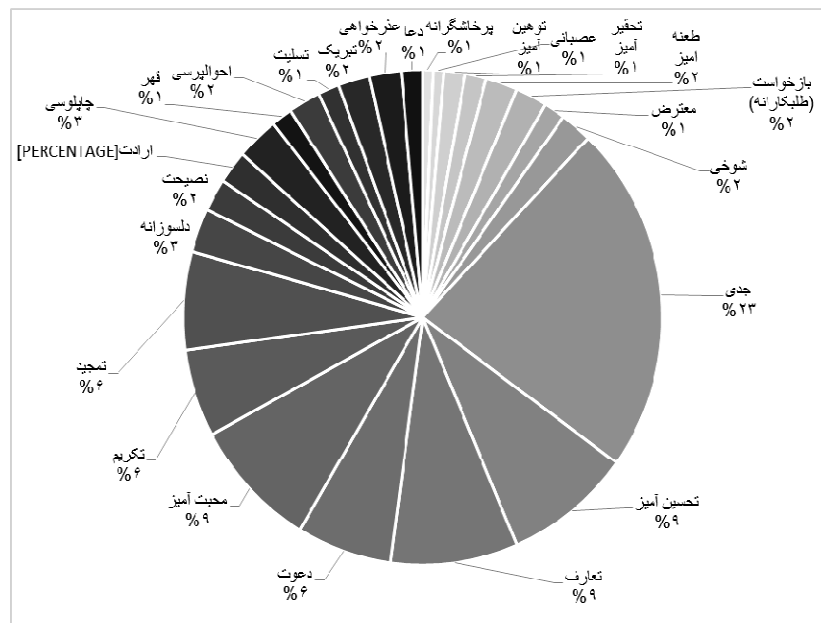
- چی کار کنم؟ نیارم با خودم؟! زنجیر کنم؟!

۵-۴. ترتیب گفتمان

این مقوله بر بازنمود اجزای گفتار، نظم آن‌ها و توالی رخداد‌های کلامی در رویداد ارتباطی دلالت دارد. ترتیب اعمال کلامی شرکت‌کنندگان در گفتمان شفاهی گردآوری شده دلالت بر این داشت که بارزترین ویژگی حفظ ادب اجتماعی در ترتیب گفتمان تکمیل کردن جفت‌های همایند^{۲۰} در محاوره بوده است؛ برای مثال، به پرسش مطرح‌شده از طرف شرکت‌کننده دیگر پاسخ داده شود یا در کنش گفتاری احوال‌پرسی، سلام گفتن متقابل رعایت شود. با توجه به بررسی‌های بیشتر، ذکر این یافته حائز اهمیت است که نادیده گرفتن ادب اجتماعی در داده‌های این پژوهش به یکی از دو صورت تکمیل نکردن جفت‌های همایند یا قطع رشته‌کلام گوینده توسط مخاطب او قابل‌مشاهده بود.

۵.۵. لحن

بررسی و تحلیل موشکافانه داده‌ها حاکی از آن بود که لحن‌های مختلفی که با زیانگ احترام-محور و عبارات وابسته به آن هم‌ایند است به هدف و موقعیت گفتمان بستگی دارد. لحن‌های مشاهده‌شده در میان داده‌های این پژوهش به همراه درصد فراوانی آن‌ها در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: لحن‌های مشاهده‌شده برای رعایت یا نقض ادب اجتماعی (احترام)

Figure 1: The observed keys contributing to observing or violating etiquette (respect)

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، لحن‌های تحسین (۱۲ مورد)، محبت‌آمیز (۱۲ مورد)، تعارف (۱۲ مورد)، شوخی یا نمکین بودن (۳ مورد)، جدی (۳۲ مورد)، تعارف (۱۲ مورد)، دعوت (۹ مورد)، تکریم (۸ مورد)، تبریک (۳ مورد)، تسلیت (۲ مورد)، عذرخواهی (۳ مورد)، احوالپرسی (۳ مورد)، دعا (۲ مورد)، تمجید (۲ مورد)، دلسوزانه (۴ مورد)، براز ارادت (۳)

مورد)، چاپلوسی (۴ مورد) و نصیحت (۳ مورد) برای رعایت و ابراز ادب اجتماعی مشاهده شد و از دگرسوی لحن‌های پرخاشگرانه (۱ مورد)، عصبانی (۱ مورد)، توهین‌آمیز (۲ مورد)، تحقیرآمیز (۲ مورد)، طعنه‌آمیز (کنایه و تمسخر) (۳ مورد)، قهر (۲ مورد)، بازخواست و طلبکارانه (۳ مورد) و معترضانه (۲ مورد) برای نقض ادب مشاهده شد.

۵-۶. ابزار

داده‌های گردآوری‌شده در این پژوهش از محاوره شفاهی بوده است و ابزار نوشتاری و انعکاس زیاهنگ احترام‌محوری با استفاده از این ابزار در دامنه این تحقیق نبوده است. از این روی تنها ابزار مشاهده‌شده در این تحقیق ابزار شفاهی است.

۵-۷. قوانین گفتمان

از جمله مشخصه‌هایی که می‌توان برای زیاهنگ احترام‌محوری با توجه به داده‌های گردآوری‌شده در نظر گرفت، این است که پاره‌گفتارهای گردآوری‌شده از نظام تو - شما^{۲۱} پیروی می‌کند که می‌تواند جلوه‌ای از فرهنگ اغراق افزودن در میان ایرانیان باشد به این ترتیب که در استفاده از القاب و یا ضمائر و شناسه‌ها از حالت جمع برای مخاطب قرار دادن شخص مفرد استفاده می‌کنند. به این ترتیب که ادب اجتماعی در جامعه گویشوران فارسی ایجاب می‌کند که از ضمیر «شما» (دوم شخص جمع) برای اشاره به دوم شخص مفرد استفاده کنند. البته مطابق با داده‌ها این پژوهش، این مهم دارای پیچیدگی‌هایی است. مشاهده شد که گویشوران در مواردی (برای مثال وقتی استاد دانشگاهی دانشجوی خود را خطاب قرار می‌دهد) از ضمیر شما و فعل دوم شخص مفرد برای خطاب قرار دادن مخاطب خود استفاده می‌کند. از دگر سوی، در مواردی (مثل خطاب کردن فردی غریبه و مسن‌تر) مشاهده شد که گویشور از ضمیر شما و فعل دوم شخص جمع برای مخاطب قرار دادن مخاطب مفرد استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد که مورد اول تابع حفظ منزلت و شأن اجتماعی طرفین به عنوان یک اصل ادب اجتماعی در میان گویشوران و دومی تابع اصل پیرسالاری در جامعه ایرانی است که احترام به فرد مسن‌تر را یک ارزش فرهنگی قلمداد می‌کند. دیگر آنکه داده‌های

گردآوری شده مبین آن بود که عقیده پیشقدم (2012) درباره نقض نظام تو- شما در تعاملات اجتماعی جاری در میان گویشوران فارسی مبنی بر اینکه به کارگیری ضمیر شما جای خود را به استفاده از ضمیر تو داده به طور مطلق تأیید نمی‌شود. دقت بیشتر در توزیع داده‌ها نشان داد که استفاده از تو به جای شما تابع موقعیت است، به این معنا که در موقعیت‌های خصوصی/غیررسمی شایع است و مهم‌تر از آن این تغییر در کلام شفاهی با استفاده از لحن مناسب (مثل تکریم یا محبت‌آمیز) به حفظ ادب اجتماعی در موقعیت خصوصی/غیررسمی (مثل محاوره پدر و فرزند) منجر می‌شود.

قانون گفتمان دیگری که از داده‌های این پژوهش برآمد، استفاده از عنوان، لقب و نام فرد برای ادای احترام بود. الگوی پدیدار شده از میان داده‌ها نشان داد که در گفتمان شفاهی عمومی/رسمی و لحن جدی استفاده از عنوان‌هایی از قبیل «آقای»، «خانم»، «دکتر»، «جناب»، «حاج (حاجی)» و امثال آن برای علو جایگاه مخاطب و رعایت ادب اجتماعی قبل از نام به کار می‌رود. به همین ترتیب، مشاهده شد که در موقعیت‌های خصوصی/غیررسمی، در مواردی، از عنوان‌هایی چون «جان» و «عزیز» بعد از نام به کار می‌رود. هرچند این قانون هم به سان قانون تو- شما دارای پیچیدگی‌هایی است. برای نمونه، در داده‌ها مشاهده شد که در موقعیت عمومی/رسمی از تلفیق این دو قانون استفاده شد (مثل: دکتر ضیایی عزیز). استفاده از لقب هم برای رعایت احترام مشاهده شد. در این حالت لقب، جایگزین نام می‌شود و در واقع اسمی است که به فرد مخاطب ارجاع می‌دهد و در اصطلاح کاربردشناختی به عنوان مرجع^{۳۳} به کار می‌رود (برای مثال: نفس خاله برای ارجاع به خواهرزاده به جای به کار بردن نام وی). روند حاکم در داده‌ها حاکی از آن بود که در موقعیت‌ها خصوصی/غیررسمی از یک اسم به منزله مرجع به جای نام واقعی فرد استفاده می‌شود و با لحن‌هایی از قبیل محبت‌آمیز، دلسوزانه یا نصیحت همراه است. یکی از پیچیدگی‌های مشاهده شده این بود که این قانون در موقعیت‌های رسمی با قانون استفاده از عنوان درمی‌آمیزد و عنوان، بدون ذکر نام، به منزله مرجع و لقب به کار می‌رود (مثال: دکتر عزیز هم فرمودند). مورد دیگر استفاده از واژه مبین نسبت یا سمت به منزله لقب است که هم در موقعیت‌های خصوصی/غیررسمی (مثال: «خوبی مامان؟» برای ارجاع به فرزند و یا «برات بیارم خاله؟» برای ارجاع به خواهرزاده) و هم موقعیت‌های عمومی/رسمی (مثال: «جناب مدیر امضا کنند، بعد») کاربرد دارد.

علاوه بر این، در داده‌های این تحقیق مواردی از فرهنگ تعارف و غیرمستقیم‌گویی نیز بوده است. برای مثال، یکی از دو همکار در اداره، پس از انجام مکالمه پیرامون ارباب‌رجوع، در زمان ترک اتاق همکاری با گفتن «بالجازه» ضمن اعلام ترک اتاق به‌طور غیرمستقیم احترام خود را به همکار و احترام خود به حریم حرفه‌ای او را نشان می‌دهد. همچنین در مواردی نیز بازتاب فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان نیز در جایی که به‌منزله مثال به ابراز تبریک یا دعا می‌پردازند مشهود است. برای مثال در محاوره بین دو خانم خانه‌دار پس از بیان خبر ازدواج خواهر یکی از شرکت‌کنندگان، آن دیگری با بیان «تبریک میگم [...] خیلی خوشحال شدم؛ الهه جون رو مثل نوشین خودم دوست دارم» ضمن ابراز تبریک جمع‌گرایی خود را نیز ابراز می‌دارد.

۸.۵. نوع گفتمان

از دیگر خصوصیات و ویژگی‌هایی که می‌توان برای زبانهنگ احترام‌محوری و عبارات وابسته به آن در گفتمان‌های شفاهی فارسی براساس داده‌های گردآوری‌شده برشمرد، کاربرد آن در قالب‌های متعدد، نظیر داستان و خاطره، فیلم، نمایش‌نامه، محاوره، خطابه است. البته باید خاطر نشان شد که داده‌های این تحقیق به گفتمان شفاهی محدود بود و مسلماً انتظار می‌رود که در انواع دیگر گفتمان غیرشفاهی نیز شاهد ادب اجتماعی باشیم.

۶. بحث

در فرهنگ ایرانیان مفاهیم مرتبط با احترام و نزاکت، که در متون علمی در قالب ادب اجتماعی یا ادب نوع اول (Spencer-Oatey & Zing, 2003) قابل بحث است، ضمن گستردگی کاربرد، دارای اهمیت بسزایی نیز است. به بیان دیگر، احترام و ادب در جامعه ایرانی و فرهنگ ایرانی-اسلامی جایگاه والایی دارد و در تعلیمات دینی هم به‌طور مکرر توصیه شده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، احترام محصول یک جامعه طبقاتی و مرهون نیاز افراد شرکت‌کننده به هم است و در چارچوب رابطه قدرت و هم‌بستگی قابل توجیه است (Jahangiri, 2008). نتایج حاصل از بررسی‌های صورت‌گرفته در ارتباط با زبانهنگ احترام‌محور در قالب پاره‌گفتارهای شفاهی حاکی از تعدد

و گستردگی کاربرد آن در موقعیت‌ها و اهداف مختلف بود. به بیان دقیق‌تر، در زبان فارسی، احترام علاوه بر بروز در صور کلامی متعارف حتی می‌تواند نقش‌های اغراق داشته باشد و بر مفاهیمی نظیر شکسته‌نفسی و چاپلوسی و یا از دگرسوی بر تحقیر و توهین دلالت داشته باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد، با تعمق و دقت بیشتر در نمودهای زیاهنگ احترام‌محور از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، می‌توان ویژگی‌هایی بیشتری را از منظر فرهنگ‌کاوی برشمرد. یکی از این ابعاد شکسته‌نفسی یا کوچک شمردن خود، توسط گوینده است که گاهی به صورت انکار توانایی‌ها، نقاط قوت یا ویژگی‌های مثبت خود از سوی گوینده بروز می‌یابد و در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران هم‌ردیف افتادگی و خضوع و فروتنی از کمالات انسانی و در نتیجه از ارزش‌های فرهنگی به حساب می‌آید (Sharifian, 2005, 2008). به عبارت دیگر، شکسته‌نفسی در جامعه ایران، دارای نقش کلیدی در نشان دادن احترام به فرد مقابل بوده و بر همین اساس، ایرانیان به خصوص در مقابل افرادی با منزلت اجتماعی بالاتر مثل کسانی که سن بالاتری دارند یا از طبقه اجتماعی بالاتری هستند خود را کوچک‌تر می‌شمارند (Sharifian, 2008) و عموماً بر این باورند که چنین رویه‌ای به ارتباطی سازنده‌تر با طرف مقابل منجر خواهد شد و برای نیاز خود که باید از سوی طرف مقابل برطرف شود پاسخی می‌یابند. این در حالی است که سایر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ غربی، به دلیل بهره‌جویی از فلسفه‌ی برابری و کرامت انسانی، تا به این اندازه به این پدیده توجه نشان نمی‌دهند (Chen, 2010; Sharifian, 2008). به بیان دیگر، از آنجایی که تفکر ایرانیان به‌طور خاص و تفکر شرقی به‌طور کلی بر مبنای فلسفه تلاش و تحمل سختی شکل گرفته است، خصلت کرامت نفس انسان در آنان نسبت به تفکر غربی کم‌رنگ‌تر است (Chen, 2010). از این رو، عزتمند و سرفراز نشان دادن طرف مقابل در کلام و قرار دادن او در جایگاهی رفیع‌تر از خود گوینده می‌تواند ریشه‌ای تاریخی در فرهنگ طبقاتی ایران و فرهنگ شرق به‌طور کلی داشته باشد (Chen, 2010). این رویه نهادینه‌شده تاریخی که ریشه در عدم توازن قدرت طبقات دارد گوینده را به گذشت از عزت و کرامت خود و بامنزلت نشان دادن طرف مقابل وادار می‌سازد تا طی یک تعامل نابرابر گوینده نیازهای اولیه خود و نیازهای ثانویه طرف دیگر را برآورده سازد (Giddens, 1987).

وابستگی احترام به قدرت و رویداد آن به منزله کنش گفتاری، به ویژه در موقعیتی که شرکت‌کنندگان در منزلت‌های نابرابر قرار دارند می‌تواند به تمجید و تحسین افراطی یا همان چاپلوسی بدل شود (Makarova & Pourmohammadi, 2019) که به یک معنا می‌تواند افراط در شکسته‌نفسی نیز باشد. اگرچه باید گفت که همیشه تکریم طرف مقابل با چاپلوسی همراه نیست، ولی می‌توان گفت که این کنش گفتاری به عمق یا شدت نیاز کنشگر (شرکت‌کننده) و فاصله یا میزان نابرابری بین شرکت‌کنندگان بستگی دارد. به طور کلی، جدای از عزت‌مند جلوه دادن و تکریم طرف مقابل به منزله یک راهبرد محترم‌شماری، باید گفت که در غالب موارد، به طور دقیق‌تر، در مواردی که شرکت‌کنندگان نابرابر باشند، تکریم و عزیز جلوه دادن طرف مقابل آن روی سکه شکسته‌نفسی و گذشت از خود است (Zare & Pearce, 2019; Moghadam, 2017; Sharifian & Tayebi, 2017). علاوه بر این موارد، با دقت بیشتر در کنش‌های گفتمانی احترام‌آمیز، به جز در مواردی که به تکریم طرف مقابل منجر شود، می‌توان دید که زیاهنگ احترام‌محوری به معنای کنشگری محترمانه لزوماً برابر با قرار دادن خود در منزلتی پایین‌تر نیست (Sharifian, 2016; Ebrahimi, Bayrami & Mohammadi, 2019). باید خاطر نشان شد که تکریم به منزله یک کنش گفتاری احترام‌آمیز اغلب در موقعیت‌های رسمی/عمومی و نیز خصوصی/غیررسمی تبلور می‌یابد و از معدود مواردی است که شرکت‌کنندگان در منزلتی برابر با هم قرار می‌گیرند و و از این روی، در میان کنش‌های احترام‌آمیز، با تعارف در یک دسته قرار می‌گیرد (Pourmohammadi, 2018).

در بررسی زیاهنگ احترام‌محوری، چنان‌که در تحلیل داده‌ها در بخش قبل آمد، در مقابل کنش‌های گفتاری احترام‌آمیز، چند کنش نامحترمانه نیز هویدا شد که در قالب پرخاش، عصبانیت، تحقیر، توهین، طعنه و بازخواست (اعتراض) دسته‌بندی شدند. روی هم رفته تحقیق چندان‌ی درباره کنش‌های گفتاری نامحترمانه در زبان فارسی انجام نشده است. با این حال، در همان معدود تحقیقاتی که در این زمینه در سال‌های اخیر انجام شده، بیشتر به زمینه‌های روان‌شناسی این کنش‌ها توجه شده (Nadoushan, 2016; Shimoyama et al., 2017) و کنش‌های توهین‌آمیز بیشتر در قالب از دست دادن کنترل خود، از خود بی‌خود شدن و ناگزیری فرد تفسیر شد. اگرچه نمی‌توان این دلایل را نادیده گرفت، ولی در عین حال می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چرا یک فرد در برابر مشکلی مشابه در دو رویداد ارتباطی

متفاوت کنش‌های متفاوت دارد؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان به کنش‌های گفتاری مشابه با توهین از قبیل تحقیر و طعنه که در این پژوهش با آنان روبه‌رو بودیم توجه کرد. از یک منظر می‌توان این کنش‌های گفتاری را حالت خفیف‌تر و محافظه‌کارانه‌تر توهین تلقی کرد. از دید فرهنگ‌کاوی و با رویکرد جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی که سازگار با مطالعه زیاهنگ است (Pishghadam, 2013) باید گفت که غالب کنش‌های گفتاری طعنه و تحقیر مبتنی بر درک این حقیقت از سوی گوینده است که یا به مخاطب نیازی ندارد یا حداقل نیاز مبرم و آنی ندارد و یا می‌پندارد که از مخاطب قدرت بیشتری دارد و در منزلت بالاتر و برتر قرار دارد (Tayebi, 2018; Mousavi et al., 2019). از این رو می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که غالب کنش‌های گفتاری طعنه، تحقیر، پرخاش، عصبانیت و توهین، جدای از رسمی بودن یا نبودن و عمومی یا خصوصی بودن، در گفتمان‌های شفاهی دوسویه تابع فاصله منزلت و طبقات شرکت‌کنندگان و شدت نیاز طرفین گفتمان است.

با توجه به آنچه تا به اینجا بیان شد، می‌توان به سؤالات این تحقیق که پیش‌تر بیان شدند به‌طور مفصل پاسخ داد و نتایج را به بحث گذاشت. سؤال نخست این تحقیق این بود که زیاهنگ احترام‌محوری، آن‌چنان که در داده‌های این پژوهش متبلور شد، باز نمود کدام جنبه از فرهنگ کنونی گویشوران است؟

برای پاسخ به این سؤال باید گفت که زیاهنگ احترام‌محوری باز نمود جنبه‌های متعددی از فرهنگ کنونی گویشوران فارسی است و به‌نظر می‌رسد این جنبه‌ها در تعامل با هم، ادب اجتماعی و رفتار (نا)محترمانه گویشوران را شکل می‌دهند. در تحلیل داده‌ها و آنچه تا به حال بیان شد، مشاهده شد که یکی از بارزترین ابعاد فرهنگی حاکم بر ادب اجتماعی پیرسالاری است که سن را عامل منزلت اجتماعی معرفی می‌کند. این جنبه فراتر از سایر متغیرهای شرکت‌کننده از قبیل تحصیلات، طبقه اجتماعی-اقتصادی و امثال آن عمل می‌کند و وابسته به موقعیت یا نوع گفتمان هم نیست. به عبارتی، می‌توان آن را در قالب آنچه جهانگیری (2008) از آن به‌منزله فروتنی عمومی یاد می‌کند، بیان کرد.

در بررسی عمیق‌تر برای کشف باز نمود جنبه‌های فرهنگی در زیاهنگ احترام‌محوری می‌توان به تعریف و دسته‌بندی اصیل آن از سوی پیشقدم (2013) برگشت. وی زیاهنگ را به‌صورت «نمایش فرهنگی از یک زبان» (p. 52) تعریف می‌کند و مفهوم زیاهنگ را در وری



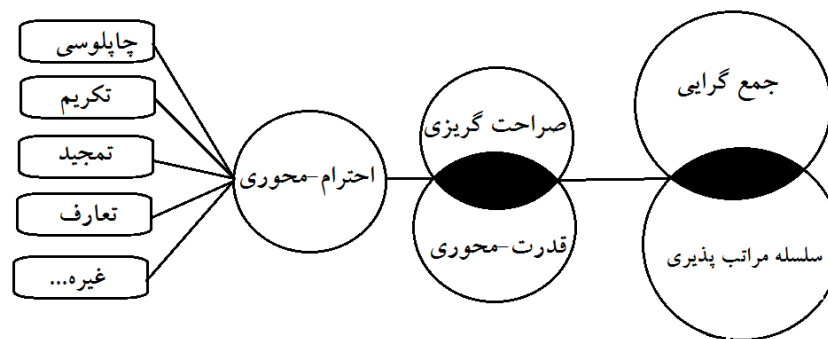
آن معرفی می‌کند. به این صورت که فرازباهنگ مجموع چند زباهنگ است که تصویری کلی‌تر از فرهنگ جامعه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. در این راستا (Pishghadam, 2013) زباهنگ قدرت/ احترام محوری را معرفی می‌کند. نخستین یافته پژوهش که در اینجا قابل بحث است در کنار هم قرار دادن قدرت و احترام در چارچوب یک زباهنگ است. در یافته‌های این تحقیق مشاهده شد که احترام محوری الزاماً مرهون قدرت طرفین نیست. اگرچه برخی از عبارات‌ها و کنش‌های گفتاری (نا)محترمانه - از قبیل چاپلوسی یا توهین - در قالب رابطه قدرت طرفین توجیه پذیرند، ولی برخی دیگر - مثل تعارف یا ارادت - در این قالب توجیه نمی‌شوند. در نتیجه، باید زباهنگ‌های قدرت محوری و احترام محوری را از هم تفکیک کرد.

دیگر آنکه از تحلیل داده‌های این تحقیق آشکار شد که زباهنگ احترام محوری با دیگر زباهنگ‌ها همسایگی و همپوشانی دارد. برای مثال، از آنچه پیش‌تر گفته شد برمی‌آید که بخشی از عبارات‌های مبین احترام محوری در قالب زباهنگ قدرت محوری هم قابل بررسی‌اند. به عبارتی دیگر، در این دسته از عبارات‌های (نا)محترمانه میل به تولید قدرت یا پذیرش قدرت مخاطب از سوی گوینده وجود دارد. برای مثال، توهین، تحقیر یا نصیحت، جنبه‌های تولید قدرت از سوی گوینده و چاپلوسی را می‌توان میل به پذیرش قدرت مخاطب از سوی گوینده دانست. در همین راستا، به نظر می‌رسد که زباهنگ احترام محوری با زباهنگ صراحت‌گریزی نیز همسایگی و همپوشانی دارد. عبارات طعنه‌آمیز، برای مثال، حاکی از بیان غیرصریح مضمونی است که در شرایط دیگر می‌توانست در قالب متفاوتی بیان شود. این زباهنگ، چنان‌که (Pishghadam, 2012 ; Pishghadam & Attaran, 2012)، پیشقدم و نوروژی کرمانشاهی (2012)، نشان دادند یک جنبه قوی و تثبیت‌شده فرهنگی در میان ایرانیان است. گفتنی است که همسایگی و همپوشانی زباهنگ‌ها مورد جدیدی نیست و پیش از این نیز پیش‌قدم و عطاران (۱۳۹۵) هم نشان دادند که زباهنگ قسمت فصل مشترک زباهنگ جبرگرایی و صراحت‌گریزی است.

در توضیح بازنمود فرهنگ ایرانیان در زباهنگ احترام محوری شایسته است از فرازباهنگ جمع‌گرایی (Pishghadam, 2012) یاد کرد. پیشقدم (2014) بیان می‌کند که جمع‌گرایی به نحوه خردورزی و تجربه‌گرایی مردمان شرقی و غربی، چنان‌که پیش از او در

آثار تریاندس (1995)^{۳۳} نیز آمده است، مرتبط است. ابراز زیاهنگ احترام-محوری، براساس یافته‌های این تحقیق و پیشقدم (2014) بیان کرد، زادهٔ مصلحت‌اندیشی و تجربه‌گرایی حاکم بر فرهنگ ایرانیان است که از مصادیق بارز فرهنگ جمع‌گرایی آنان است (Pishghadam, 2012) در این معنا، ادب اجتماعی، راهبردی برای حفظ ارتباط و تلاش گوینده برای حفظ وابستگی متقابل به دیگران، تمایل به هماهنگی با جامعه و هم‌نوایی با هنجارهای آن را نشان می‌دهد. در همین راستا، نقض ادب اجتماعی و نزاکت بیانگر فاصله گرفتن از جمع‌گرایی، گسستن بند هم‌بستگی‌ها و وابستگی‌هاست.

به این ترتیب، چنان‌که در شکل ۲ آمده است، زیاهنگ احترام-محوری بازنمود فصل مشترک جنبه‌های زیاهنگ‌های صراحت‌گریزی و قدرت-محوری ایرانیان و در سطح کلان، بازنمود فصل مشترک فرازیاهنگ‌های جمع‌گرایی و سلسله‌مراتب‌پذیری ایرانیان است.



شکل ۲: رابطهٔ زیاهنگ احترام-محوری با زیاهنگ‌های صراحت‌گریزی و قدرت-محوری و نیز فرازیاهنگ‌های جمع‌گرایی و سلسله‌مراتب‌پذیری

Figure 2: The relationship among respect, ambiguity and power cultulings, and their links with collectivism and class society meta-cultulings

سؤال دوم این تحقیق از این قرار بود که چه جنبه‌هایی از ادب اجتماعی، آن‌چنان که در داده‌های این پژوهش آمد، در زیاهنگ احترام-محوری انعکاس یافته است؟ چنان‌که پیش از این هم گفته شد، ادب اجتماعی یا ادب نوع اول بر دو محور سلطه و هم‌بستگی اجتماعی شکل

می‌گیرد (Jahangiri, 2008). به این معنا، سلطه به صورت برتری و تفوق فردی بر فرد دیگر تعریف می‌شود و همبستگی با فاصله اجتماعی برحسب آشنایی، خویشاوندی، مشترکات دینی، جنسی، سنی، منطقه‌ای، قومی و ... معادل است (ibid). در پژوهشی که (Jahangiri, 2008) از منظر جامعه‌شناسی زبان درباره ادب اجتماعی یا نزاکت انجام داد، با بررسی عناصر زبانی (واژگانی و آوایی) به این نتیجه رسید که صورت‌های محترمانه زبانی، جدای از فروتنی عمومی که یک ویژگی مقبول اجتماعی است، بر مدار دو محور همبستگی و سلطه می‌گردد. وی اشاره می‌کند که احترام یا بر مدار هنجارهای متعارف اجتماعی حرکت می‌کند و مطابق با آن‌هاست یا بالاتر از حد هنجارهای متعارف است (مثل چاپلوسی). گفتنی است که جهانگیری (2008) به بررسی صورت‌های نامحترمانه نپرداخته است، ولی از آنچه از تحلیل داده‌های این تحقیق می‌توان دریافت این است که این دو جنبه از ادب اجتماعی درباره کنش‌های نامحترمانه زبانهنگ احترام‌محوری هم تعمیم‌پذیر است.

برای پاسخ سؤال دوم این پژوهش و درک بهتر جنبه‌های ادب اجتماعی انعکاس‌یافته در زبانهنگ احترام‌محوری از جهانگیری (2008) الهام گرفته و چنان‌که وی احترام را به سطح پایین، خنثی و بالا تقسیم کرده است، در این تحقیق نیز هر یک از جنبه‌های ادب اجتماعی، یعنی سلطه و همبستگی، اندکی فراتر از آنچه جهانگیری (2008) انجام داد، به سه سطح پایین، خنثی و بالا تقسیم شد. به‌مانند جهانگیری (2008) سطح پایین سلطه به صورت پذیرش سلطه از سوی طرف مقابل، سطح خنثی به عدم برقراری رابطه سلطه، و سطح بالای آن نشان‌دهنده سطح بالای گوینده است. برای بحث بهتر درباره نتایج این تحقیق، همبستگی بالا به صورت تمایل به کاهش فاصله اجتماعی، همبستگی خنثی به صورت عدم وجود این میل و همبستگی پایین به صورت میل به افزایش این فاصله تعریف شد. به این ترتیب، می‌توان جنبه‌های ادب اجتماعی انعکاس‌یافته در زبانهنگ احترام‌محوری در این تحقیق را به صورت شکل ۲ دسته‌بندی کرد.

قدرت	بالا	پرخاش، عصبانیت، توهین، تحقیر		دلسوزی، نصیحت
	خنثی	بازخواست، اعتراض	طعنه، جدی	شوخی، تعارف، دعوت، تحسین، محبت‌آمیز، احوال‌پرسی، تبریک، تسلیت، دعا
	پایین			تکریم، تمجید، ارادت، چاپلوسی
		پایین	خنثی	بالا
هم‌بستگی				

شکل ۳ نشان می‌دهد که هریک از جنبه‌های ادب اجتماعی (سلطه و هم‌بستگی) تا چه اندازه (کم، متوسط یا زیاد) در زیاهنگ احترام‌محوری انعکاس یافته است. اینکه گوینده تا چه حد هر یک را در کلام خود ابراز کند به عوامل دیگری از قبیل، مشارکت‌کنندگان، موقعیت، ابزار گفت‌وگو، غیره، که در الگوی SPEAKING هایمز (1967) معرفی شد بستگی دارد. البته براساس آنچه جهانگیری (۱۳۸۷) برمبنای طرحی از (1987) ارائه داد باید گفت که مهم‌ترین عوامل انتخاب سطح سلطه و هم‌بستگی به عواملی چون بافت، گوینده، مخاطب، شخص (اشخاص) ناظر و مرجوع وابسته است.

۷. نتیجه

این تحقیق به دنبال کشف جنبه‌های فرهنگی جامعه گویشوران فارسی‌زبان بود که به زیاهنگ احترام‌محوری شکل می‌دهد. این تحقیق هم‌چنان کوشید تا صورت‌های مشاهده‌شده احترام‌محوری در این تحقیق را در سایه ابعاد ادب اجتماعی یا ادب نوع اول تشریح کند. وجه تمایز اصلی این تحقیق با خیل پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام شد در همین نگاه به ادب است، درحالی که نگاه غالب در تحقیقات گذشته برمبنای ادب زبان‌شناختی یا ادب نوع دوم بود و اغلب از نگاه تعارف براون و لوینسون (1987) به زبان نگاه می‌شد. این تحقیق با تکیه بر مفهوم زیاهنگ فرصت یافت تا احترام‌محوری ایرانیان را از نگاه مفاهیم مرتبط با ادب اجتماعی یا ادب نوع اول بررسی کند. براساس داده‌های میدانی گردآوری‌شده از شهرهای مختلف ایران و تحلیل داده‌ها در سایه الگوی SPEAKING، هایمز (1967) که

رویه حاکم بر مطالعه زباهنگ است، این تحقیق نشان داد که زباهنگ احترام‌محوری از پیچیدگی‌های متعددی به یمن گستردگی و فراوانی حضورش در لایه‌های مختلف تعاملات شفاهی اجتماعی برخوردار است.

تحلیل عمیق‌تر داده‌ها و واکاوی فرهنگی، آن‌چنان که (Pishghadam, 2012) مدنظر داشته است، نشان داد که در وهله نخست، زباهنگ احترام‌محوری، خلاف آن‌طور که (Pishghadam, 2012) اشاره کرد، با قدرت‌محوری کاملاً برابر نیست و این دو را باید جداگانه تعریف کرد. دیگر آنکه، زباهنگ احترام‌محوری با وجود استقلال مفهومی خود با زباهنگ‌های صراحت‌گریزی و قدرت‌محوری هم‌پوشانی دارد. به‌علاوه، نتایج این تحقیق نشان داد که، با درنظر گرفتن مفهوم فرازباهنگ، زباهنگ احترام‌محوری از فرازباهنگ‌های جمع‌گرایی و سلسله‌مراتب‌پذیری ایرانیان تأثیر می‌پذیرد. در بُعد ارتباط زباهنگ احترام‌محوری با جنبه‌های ادب اجتماعی، این تحقیق با تکیه بر معهود تحقیقات انجام‌شده در باب ادب نوع اول در میان ایرانیان، با تکیه بر الگویی که جهانگیری (2008) ارائه داد، نشان داد که صور مشاهده‌شده از زباهنگ احترام‌محوری در داده‌های این پژوهش بر مبنای دو محور سلطه و هم‌بستگی توجیه‌پذیر است و این‌گونه استدلال شد که تنوع و شدت بروز جنبه‌های احترام و نزاکت تابع سلطه و هم‌بستگی موجود در بافت است که خود به‌واسطه متغیرهایی از قبیل گوینده، مخاطب، افراد ناظر، مرجوع، ابزار گفتمان، و موارد دیگری که در قسمت قبل از آن‌ها سخن به‌میان آمد تعیین می‌شود.

نتایج این تحقیق که بیش از همه در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی قابل طبقه‌بندی است می‌تواند در حوزه‌های گوناگون از جمله آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان استفاده شود. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در آموزش جنبه‌های فرهنگی فارسی‌زبانان و کنش‌های گفتاری (نا)مناسب به فراگیران غیرفارسی‌زبان و نیز تدوین محتوای آموزشی مناسب مفید باشد. علاوه‌براین، یافته‌های این تحقیق می‌تواند در آموزش ترجمه، هم ترجمه شفاهی و هم ترجمه متون، و نیز ترجمه عملی در هر کدام از این حوزه‌ها برای مترجمان مفید باشد، به این ترتیب که در ترجمه گفتمان شفاهی به تبلور ارزش‌های فرهنگی در قالب زباهنگ احترام‌محوری نظیر جمع‌گرایی، سلسله‌مراتب‌پذیری و قدرت‌محوری و نظایر آن که در بالا بحث شد بیشتر توجه کنند. این پژوهش روی گفتار شفاهی گویشوران متمرکز بود. تحقیقات

بیشتری برای بررسی ادب اجتماعی در انواع دیگر ابزارهای زبانی مثل نوشتاری و ابزارهای دیجیتال در قالب مفهوم زیاهنگ احترام-محوری ضروری به نظر می‌رسد. در تحقیقات آتی روی این زیاهنگ با درنظر گرفتن متغیرهای مختلف اجتماعی نظیر سن، جنسیت، مذهب و ... می‌توان واکاوی دقیق‌تری ارائه داد. علاوه‌براین، تلاش در جهت یافتن ریشه‌های عمیق شکسته نفسی، غلو، و چاپلوسی از جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناختی مهم خواهد بود.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Cultuling
2. Sapir-Whorf
3. Linguistic Determinism
4. Linguistic Relativism
5. Etiquette
6. Ahmadi
7. Face
8. Hymes

۹. این کلمه مخفف واژگان Key, Situation, Participants, End, Act sequence, Instrumentalities, Norms, Genre است.

10. Metacultuling
11. Situation
12. Participants
13. End
14. Act sequence
15. Goffman
16. Key
17. Instrumentalities
18. Norms
19. Genre
20. Adjacent pairs
21. Tu-vous addressing
22. Reference
23. Triandes

۸. منابع

- احمدی، پ. (۱۳۹۳). بررسی ادب ضمایر در متون کهن. گرگان: کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی.

- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۱). معرفی زیاهنگ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۵(۴)، ۶۲-۴۵.
- پیش‌قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۸). معرفی زیاهنگ مرگ‌محوری و شادی‌گریزی از طریق تفحص در گفتمان‌شناسی «مرگ» در زبان فارسی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۱(۴۹)، ۲۰۶-۱۸۱.
- پیش‌قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ.، و طباطبایی فارانی، س. (۱۳۹۶). واکاوی عبارت «ناز کردن» و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتوی الگوی هیجامد. *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۱۸(۳۹)، ۱۵۲-۶۷.
- پیش‌قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۲). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش‌گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۶(۴)، ۵۰-۲۵.
- پیش‌قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۴). بررسی کنش‌گفتاری «استدلال» در زبان تبلیغات مجلات انگلیسی و فارسی. *جستارهای زبانی*، ۶(۳)، ۶۴-۴۵.
- پیش‌قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۵). گفتمان‌شناسی قسمت در فرهنگ و زبان مردم ایران. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۷(۳۵)، ۱۴۹-۱۲۹.
- پیش‌قدم، ر.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۶). تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی نمی‌دانم در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸(۳۷)، ۳۵-۷.
- پیش‌قدم، ر.، و نوروز کرمانشاهی، پ. (۱۳۹۵). ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی. *زبان‌پژوهی*، ۱(۲۰)، ۵۱-۲۷.
- پیش‌قدم، ر.، و وحیدنیا، ف. (۱۳۹۴). کاربردهای دعا در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز. *جستارهای زبانی*، ۷(۴)، ۲۳-۱.
- پیش‌قدم، ر.، وحیدنیا، ف.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۳). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش‌گفتاری نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۷(۲)، ۷۱-۴۵.
- جهانگیری، ن. (۱۳۸۷). *زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه*. تهران: آگاه.

- قربان‌پور آرانی، ح.، زارعی، ع.، و عربشاهی، ا. (۱۳۹۶). بررسی کارکرد اجتماعی- فرهنگی ماشین‌نگاره‌ها بر اساس مدل قوم‌نگاری زبانی هایمز. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸ (۳۸)، ۱۷۷-۲۰۰.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی*. ترجمه م. صبوری. تهران: نشر نی.

References

- Ahmadi, P. (2014). A study of the respect as reflected in pronouns in ancient texts. National applied research in Humanities. Gorgan, Iran. *An International Journal of Tourism and Hospitality Research*, 30(3), 43-63. [In Persian]
- Brown, P., & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chen, R. (2010). Compliment and compliment response research: A cross-cultural survey. *Pragmatics across Languages and Cultures*, 3(2), 79-101.
- Ebrahimi, O., Bayrami, M., & Mohammadi, D. (2019). Flattery Harm in social interactions and its pathology from Imam Ali's viewpoint. *Journal of Research on Religion & Health*, 5(3), 137-149.
- Giddens, A. (1987). *Social theory and modern sociology*. Stanford University Press.
- Goffman, E. (1971). *Relations in public: Microstudies of the public order*. New York: Basic Books.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Jahangiri, N. (2008). *Language: Reflection of time, culture and thought*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Leech, G. N. (2016). *Principles of pragmatics*. Routledge.
- Makarova, V., & Pourmohammadi, E. (2020). Gender factor in the expression of politeness in Farsi. *Journal of Gender Studies*, 29(4), 373-385.

- Moghaddam, M. M. (2017). Politeness at the extremes: Iranian women's insincere responses to compliments. *Language and Dialogue*, 7(3), 413-431.
- Mousavi, S., Golfam, A., Agha Golzadeh, F., & KZ Kambuziya, A. (2019). Explaining the construction of euphemistic meaning via schematization in Persian: A cognitive approach. *The International Journal of Humanities*, 26(4), 30-43.
- Nodoushan, M. A. S. (2016). On the functions of swearing in Persian. *Journal of Language Aggression and Conflict*, 4(2), 234-254.
- Pishghadam, R., & Ataran, A. (2015). Delving into speech act of argumentation in English and Persian advertisements. *Language Related Research*, 6(3), 45-64. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Vahidnia, F. (2016). Uses of praying in Persian and English movies in the light of Hymes' model. *Language Related Research*, 6(7), 53-72. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Ghahari, S. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: A reference book*. Tehran: Rahnama Publications. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Attaran, A. (2014). A sociological comparison of speech act of swearing: A case study of Persian and English languages. *Language and Translation Studies (JLTS)*, 46(4), 25-50. doi: 10.22067/lts.v46i4.41429. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Attaran, A. (2016). Discourse analysis of "Qesmat" in Iranian culture and language. *Journal of Culture-Communication Studies*, 17(35), 129-149. doi: 10.22083/jccs.2016.42574. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Firoozian Pour Esfahani, A. (2017). A sociolinguistic analysis of the discourse functions of 'I don't know' in Persian language: Hymes' SPEAKING model. *Journal of Culture-Communication Studies*, 18(37), 7-35. doi: 10.22083/jccs.2017.86333.2155. [In Persian]
- Pishghadam, R., Firoozian Pour Esfahani, A., & Firoozian Pour Esfahani, A.

- (2020). Introducing cherophobia cultuling :A close look into the discursive functions of death-oriented terms in Persian Language. *Journal of Culture-Communication Studies*, 21(49), 181-206. doi: 10.22083/jccs.2019.154431.2611.[In Persian]
- Pishghadam, R., Firoozian Pour Esfahani, A., & Tabatabaee Farani, S. (2017). Examining the concept of nāz and its related vocabulary items in Persian language in light of emotioncy. *Journal of Culture-Communication Studies*, 18(39), 67-96. doi: 10.22083/jccs.2017.96182.2240.[In Persian]
 - Pishghadam, R., & Noruz kermanshahi, P. (2016). Relationship between language, religion and culture: research and analysis of the functions of the Hajji and related terms in Persian language. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 8(20), 27-51. doi: 10.22051/jlr.2015.1859.[In Persian]
 - Pishghadam, R., Vahidnia, F., & Firoozian Pooresfahani, A. (2014). A Sociological look into speech act of cursing: A comparison of Persian and English Languages. *Language and Translation Studies (JLTS)*, 47(2), -. doi: 10.22067/lts.v47i2.35404.[In Persian]
 - Pishhghadam, R. (2013). Introducing “cultuling” as a dynamic tiool in culturology of language. *Language and Translation Studies (JLTS)*, 45(4), 47-62. [In Persian]
 - Pourmohammadi, E. (2018). The use of “TAAROF”: *The generation and gender factors in Iranian politeness system*. Doctoral dissertation, University of Saskatchewan. [In Persian]
 - Qorbanpour Arani, H., Zarei, A., & Arabshahi, A. (2017). The socio-cultural aspects of bumper stickers based on Dell Hymes’ ethnography. *Journal of Culture-Communication Studies*, 18(38), 177-200. doi: 10.22083/jccs.2017.72419.2070.[In Persian]
 - Saville-Troike, M. (2003). *The ethnography of communication: An introduction*. Oxford: Basil Blackwell.

- Sharifian, F. (2005). The Persian cultural schema of shekasteh-nafsi: A study of compliment responses in Persian and Anglo-Australian speakers. *Pragmatics & Cognition*, 13(2), 337-361.
- Sharifian, F. (2008). Cultural schemas in L1 and L2 compliment responses: A study of Persian-speaking learners of English. *Journal of Politeness Research*, 4(1), 55-80.
- Sharifian, F. (2016). Cultural pragmatic schemas, pragmemes, and practs: A cultural linguistics perspective. In *Pragmemes and Theories of Language Use* (505-519). Springer: Cham.
- Sharifian, F., & Tayebi, T. (2017). Perceptions of impoliteness from a cultural linguistics perspective. *Advances in Cultural Linguistics*, 5(4), 389-409).
- Shimoyama, T., Shadpayam, F., & Parhizgari, M. (2017). Swearing in Persian. *Advances in Swearing Research: New Languages and New Contexts*, 8(4), 282, 213.
- Spencer-Oatey, H., & Xing, J. (2003). Managing rapport in intercultural business interactions: A comparison of two Chinese-British welcome meetings. *Journal of Intercultural Studies* 24(1), 33-46.
- Tayebi, T. (2018). Implying an impolite belief: A case of tikkeh in Persian. *Intercultural Pragmatics*, 15(1), 89-113.
- Zare, S., & Pearce, P. L. (2019). Cultural influences on memorable tourism experiences. *An International Journal of Tourism and Hospitality Research*, 30(3), 316-327.